چرا بانکها

ندیم، م

دیر زمانی است گوئی مقرر یا مقدر گردیده است تا در گوشه و کنار مملکت شورش و بلوا برپا شود و در هر بلوا جمیع کشته و مجروح شوند و سینماها،هتلها و بانکها و...به‏ آتش کشیده شوند.گوئی اگر در حوادث پی‏درپی در و پنجره و شیشه بانک شکسته نشود آن حادثه و بلوا ناقص است و بحساب تظاهرات نمیتواند محسوب آید.البته سهم بانک‏ صادرات در این وقایع بیش از دیگر بانکهاست زیرا قریب سه هزار شعبه در اطراف و اکناف‏ مملکت دارد و چون بامش بیشتر است برفش هم بیشتر است...

در مجمعی از دوستان صابنظر بحث بر سر همین وقایع بود.یکی از دوستان‏ خدمات بانکها را به گردش امور اقتصادی و اجتماعی مملکت برشمرد و بعنوان شاهد مثال‏ وضع بانک عمران را توجیه کرد و گفت این بانک قریب ربع قرن پیش در حوالی چهار راه‏ امیر اکرم در خانه‏ای محقر با چند کارمند خدمات بانکی خود را شروع کرد و طی این مدت توانسته‏ است 517 قریه از املاک سلطنتی را بین 42300 خانوار کشاورز تقسیم کند و با کمک سرمایه‏ گزاران داخلی و خارجی کوی صاحبقرانیه را با آن همه امکانات رفاهی بنیاد نهد و شهرک‏ فرح‏زاد را در سطحی وسیع و نمونه پایه‏ریزی کند و هزاران ایرانی را با دادن وامهای طویل‏ المدت صاحب خانه و کاشانه نماید و در گوشه و کنار مملکت سیصد شعبه برای دادن سرویس‏ و خدمت بانکی و رفاهی بمردم بوجود بیاورد...

...مگرنه اینکه ساختمان بانکها،سینماها،هتل‏ها و...همه متعلق به مملکت‏ و از اجزاء ثروت ملی است؟أپس،از سوزاندن و شکستن چه بهره‏ای حاصل میشود؟آیا بهتر نیست اگر مدیران و مجریان این مؤسسات کاری و عملی خلاف اخلاف و دین میکنند ارشاد شوند و راهنمائی گردند و از ادامه اعمال احتمالا ناشایست ممنوع شوند؟در این راه مطبوعات‏ و بانکها هم گناهکارند و کوتاهی کرده‏اند،زیرا در تبیین خدمات بانکی هیچوقت قدمی‏ برنداشته‏اند و لذا سرویسهای بانکی زیاد بصورت عملیات مؤسسات مرابحاتی به مردم معرفی‏ شده است که ضمن عمل بهره‏وری و گاهگاهی پاداش و جایزه‏ای هم به مشتری‏های اا خود میدهند و این درخور نیست...